



«یک روز سال ۱۳۶۴ اثر زنده یاد استاد حبیب‌الله صادقی»



فراسوی «حرف مُفت»

درباره ضرورت اندیشیدن به تضادهای اصلی منتهی به پیشرفت

وضعیتی که از نقطه عطف سید جمال به جهان آگاهی جوامع اسلامی وارد شد و واکنش‌هایی آفرید. از قصه مفصل این واکنش‌ها که بگذریم، در ایران، به ویژه در ایران سال‌های منتهی به انقلاب و نیز سال‌های پس از انقلاب اسلامی، جهان فکری ایرانی همواره حول یک دوگانه مهم در پاسخ به علل تأخر جهان اسلام سامان یافته است: دو گانه سنت - تجدد. با این تفاوت که پیش از انقلاب در پاسخ به پرسش از این تأخر و عقب‌ماندگی، کفه تجدد سنگین‌تر

از نقطه نظر حکمی و از دیدگاه نظریه‌ای صدرايي، پیشرفت جوامع اگر جهتی متعالی داشته باشد، در چارچوب نظریه و مفهوم «فیض» صورت‌بندی می‌شود. بر اساس این نظریه زمینه به دست آوردن فیض، حرکت جوهری و تضاد است. در متن تضادهای حقیقی جوامع انسانی پیشرفت حاصل می‌شود. تضاد حق و باطل که در جوامع انسانی حول تضاد ظلم و عدل تعیین می‌یابد اصلی‌ترین تضاد توحیدی جوامع است. همه نظریه‌های اجتماعی کم و بیش یک تضاد را در جوامع روایت می‌کنند؛ چه به آن تضاد تصریح کنند و چه آن را پنهان و حتی انکار کنند. در این جا وجوه معرفتی پیشرفت خود را نشان می‌دهد؟ کدام تضاد پیشرفت را ممکن می‌کند؟ روایت کدام نظریه درباره تضاد اصلی جوامع در حقیقت صادق و در واقعیت کارآمد است؟ جوامع اسلامی از قریب به سه سده قبل به این سو دست خوش یک عقب‌ماندگی و دیگر بودگی نسبت به «ملل راقیه» هستند.



مجتبی نامخواه

مدیر گروه
مطالعات اجتماعی
پژوهشکده تبلیغ
و مطالعات اسلامی
باقرالعلوم (ع)